

Y

سلام علی و زین فضا
عابد بن عبد ربه و قلی
الحکم

بسم الله الرحمن الرحيم
يا معاليها سيدك وملكها
عبدك وملكها
عبدك وملكها

از آن معلوم می شود که در زمان
از آن معلوم می شود که در زمان

ہاں
بجارت
برزاف
جاتے
نے
رستہ
عا
ریہ
کہ
ہی
نہی
بار

حاجي
 في الحجاب والزوار
 واللباس
 بيت السراكرام
 اهل الكون والمقام عارف
 اسرار العوالم والاعمال
 الخيرة باقدوم اليك والرضا
 ١٤٥
 ٢١٠٥٢٩
 السكينة في سائر احوال
 شريفة في شرف بالحي

فقط
وہاں نماز اسلام
ملاوت نہ پاؤ
وہاں

وہی
لے لے وہی لے لے
نہی نہی نہی نہی
ایک ایک ایک ایک
ہر ہر ہر ہر

تشیخ
فیضی

A close-up photograph of the book's binding. The spine is visible on the right, showing a dark, textured material. The edges of the pages are visible on the left, showing a light brown, aged paper color.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب مسائل فروع دینی

مؤلف

2500

شماره اختصاصی (۱۴۵) از کتب اهدائی : جمع زاده



شماره ثبت کتاب

110519

سلام علی و ارحم بندگان
جانب این غنای روحی و قلبی

نیج صبح طلوع بدو شده
بیا به ملک بیدار بکلیت

صبا که گذری از جلوه کار و روان
از آواز دلخواهی و کلام

باب سیم در بیان

نور ای که گنیم عرض بر یواره امانت
در هر که نه تقوی و نه تحریر و نه کرم
قدام عایه مقام عوضه بیدار که ریح دعا گوین و انوار بزمه
حال و لسانه تعالی از حضرت جیب الدعوات و در رفع الدرجات
از بر این فرید حیات و در رفع درجیات آه ستوه صفات
در ایما که است عای غایب که حق سبحانه و تعالی جمیع درو
صورت و معنوی در این تفت مخلوق مهیا کرده اند این دعا
در همه بر خلق جهاد آمین بای بیضا فیلا و خاتم خورشید
تا نیر که کاینده بکشد و جامه به به ناست خفی نمائند که
بنی به پیغمبر باقی و الدنیا

صورت کشتی حاج نامه

سلسله ایست و عروایه ایست و تشبیه و تمثیل و اسما
و عا و بنای شنائیکه و تجرید و اوله و نقد و صکان و اینها به نیت
فلسفه رب و اوله که لایزال باشد مکتوب و غویج بر یو که لک و بار

و اینها به نیت و تشبیه و تمثیل و اسما
و عا و بنای شنائیکه و تجرید و اوله و نقد و صکان و اینها به نیت
فلسفه رب و اوله که لایزال باشد مکتوب و غویج بر یو که لک و بار

۱۴۵
۲۱۰۵۲۹

صورت کشتی حاج نامه
سلسله ایست و عروایه ایست و تشبیه و تمثیل و اسما
و عا و بنای شنائیکه و تجرید و اوله و نقد و صکان و اینها به نیت
فلسفه رب و اوله که لایزال باشد مکتوب و غویج بر یو که لک و بار

محمد رفیع الداعی مددگار و موقعی بسوی عالمی انگار ثبت لاسه قوامه
 عزای یوم القور صباک فغانیم درو عورت صافیت و غور
 سلیمان فغانیت نازنده صکن فغانیار جانب خلص حقید آواز یله
 تقصیر نتوبه اولورده بغانایک الله سبحار و تعالی صحت و عافیت
 اوزوریه و عورت حله اسراروم الاظم بویلر اقامانایه طاعت
 یحایونه اکشتیاج نمانه کوی و بیانه ای و زور ایزدور که حضرت
 واجب الوجود ایزد یغنی الخیر و الحود تحت عوارز آلاله و حق یولیه

کوی از بارخ فا و یاد زده صفات کز حاکم عباد آید و عباد باینه جمیع جانیه
توبیا و قیامت و در وین یک کلام و جلا و تفسیر و تسکین خلق و کلام رسد
اوله و کلام عیون اعیان و جمیع و جلا و کلامه خدمت نامه و در وین
و صفات و صورت و اوله و اوله و یاد زده حوا و در وین و

فمن غفر الله له
موتني انا مسكين علي
لن يغفر لي غير الله تعالى
ايضا غفر الله له
زينة وفتية
عليه السلام

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

[illegible]

بِسْمِ الرَّحْمَةِ وَالْعَظِيمَةِ نَاشِئ
 اَعُوذُ بِكَ يَا اَبُو حَكِيمٍ اَللّهُمَّ عَلَيَّ عَجْمَةٍ تَوَاضَعَتْ لِي وَتَوَضَّعَتْ لِي
 اَدْنَى مَلَأَتْ بَاطِنِي وَكَلَمَتْ اَعْيُنِي وَتَوَضَّعَتْ لِي وَتَوَضَّعَتْ لِي
 وَاللّٰهُمَّ

حاکم بیکما
دین خاکن نجیب بوسین یه افان و فیکر
عوض حاله اند ویک او کمره لکر بو استغف غن بر غنوم و کین لکن بر غنوم
او شش نه لکه و لکر که دیر افغانه او الله ضلیه اندرس
روز و شش او را و ده عامه و آنجا که رتبه است تغالی او لنور و ماه

[illegible]

لاله ای شمعین اول که سر و قویان باقی
 طبع ششین بکس چاک ز این شکر
 پادشاه برادر رشید **طالع**
 تدریس وین بکار ویم که از موم نهاده باشی
 چه در شمع و در آب یا مع میانه جواده باشی
طالع
 و اما بکارهای و ده کن در این نوعی و صاف زور قی و در کمال
 بلای عشق دارا ایتمیج ویدم تا
 در صفت اهلین افتادین اولونمیش

از وصال تو باقیاله تو بخورده ای
اما جامع خبر از ادب یعنی بزم درویش افندی اول
غایتد را شی به تا تو انتم کفایتد روحدی به همه
اولوب اول مقصد اخوانکارا دم مارخی خفرا لایم

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some faint smudges and discoloration, characteristic of old paper. The top edge of the page is bordered by a dark, possibly black, binding material. There is no text or other markings on the page.

۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

(Handwritten Persian text, likely a continuation of the previous page's discussion on the nature of the soul and its faculties.)

[illegible][illegible]

و در کتب معتبره و معتبران
در کتاب معتبره و معتبران
در کتاب معتبره و معتبران
در کتاب معتبره و معتبران

[illegible]

علاج فامیده که شکر مراد
فیهام بود در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

اولا حاجت
فوش نویسی و عمارت فواید
غزل در کمال فواید آراست
لیلا ز انجلی که طبع فاضل آوست
کتاب جیبی نزد کسی بی است
سر دم اسفا که از فطرتش
کین نام ضایع که به بخور است

فصل
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

فصل دوم
با در کشته ساه فم که در سر و با
که به در کشته ساه فم که در سر و با
زینت صورت لفظت فطن لیک و سوه
بر و در کشته ساه فم که در سر و با
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

فصل سوم
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

فصل چهارم
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

واذ ابلیس بجابل تخکم
اولیه منی الکوت و ربا کان الکوت من الجواب جوابا

درای
مسک که کلن لری شایع در دار بنی
که در کشته ساه فم که در سر و با
زینت صورت لفظت فطن لیک و سوه
بر و در کشته ساه فم که در سر و با
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

فصل دوم
با در کشته ساه فم که در سر و با
که به در کشته ساه فم که در سر و با
زینت صورت لفظت فطن لیک و سوه
بر و در کشته ساه فم که در سر و با
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

فصل سوم
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

فصل چهارم
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

ثبت من فی البطیخ
و فی الانسان نقصان وزنه
خوشه جلد و انشغال فیه
صفوة لونه من غیر علة
اذا قطعته از با تراه
کبد قطعت منه الاله

سبک اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

فصل دوم
با در کشته ساه فم که در سر و با
که به در کشته ساه فم که در سر و با
زینت صورت لفظت فطن لیک و سوه
بر و در کشته ساه فم که در سر و با
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

فصل سوم
فصل اوله در اوله که است بدو که
که به در قند نه بار چو فواست نوشت
اگر پیش خود از در دوزخ می گریه
و در دوزخ راست و در دوزخ یافت رکن نوشت

من قولهم لكهنوت ادبعين صبا فاعلم سبع كلمات وصديقا لاؤ قد فقط ففهمنا سليمان
وكلاما لا تنبأ كمن وعلموا سحرنا مؤدود الجبال بسحره ولا تطوكتنا عليهن باقى يا قوم
بارت موسى وبارت عيسى وبارت ابراهيم وبارت يعقوب ولا سباط
وبارت اسحق وبارت محمد صلوات الله عليهم اجمعين اللهم اكرمى بالنفهم والحفظ وارزقنى
العلم والحكمة يا قاضى الحاجات اقص حاجتى واكرمى ببولجى الخيرات يا قاضى الحاجات
بارك فى لى نعيم **وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين**

بعضی قولیه عبداللہ انصار یہاں روی
دوایت کنند کہ خوار نظام الملک خدمت عمارت خوار عبداللہ انصار ہی فرستاد کہ
مار انصیری ہی فرمایا عمارت خوار فریوسف بن نظام یار اس کہ این مدد حضرت شعار فرمود
ساخت مدد دنیا و آخرت کا مدد فرمود ساخت با حق با مدد حق با خلق باضاف با نفس
بقدر با مدد و بشاہ بلطف با بدکار کا خدمت با خوار و نہ شکست با دوستی با نصیب
با دشمنی با حکم با علی تواضع با جاهل خویش و دانائی آہ فریوسف بن نظام در رعایت
فرمایا گوش و دزدانی پوش و قیمتی با پوش و مدد دنیا و پوش خود نوشت
بنظام رسید جواب گفت کہ ناظر نظام است این نصیحت را و در تمام است
سعادست است مدد عاوت کہ تو موجود است شی و لطیف و تواضع کہ با مدد محمود است
مدد عاوت کہ اگر نصیب و دشمن تو را و بخیر و نیکار کہ خشم محمود است

روضه رضی اللہ عنہ روضہ النجاشی عنہ قال انی
 سمی اللہ علیہ وسلم من مائتین لایسره کما یسره
 شیء و هو فی الرحمه و اذ فی و اذ سره صدق رسول الله
 روضه رضی اللہ عنہ روضہ سلمی عنہ اے آصف الکلام الی الله
 رزاع الکلام کلام الخلق و من و انما صار
 سماء الله و محمد رزاع الکلام کلام الخلق و من و انما صار
 احد و لا شفاء لای علی الله و محمد سید ق ابن ملک راجع الی

[illegible]

کتابک
فروید کنش از قدر و بی نیسی
بزرگه مقابل اولی ماه جنبه

طالب بولر سنجلی کنج نهانی
قارون صفت دل لب دریا و کتاره

اول بار یک جزو می اوله سفینه
سلایق نزهت کر و زور می اوله

کوه دشتی و صند اولی نظم
قیمت قوم و در قدر و نیکی

دیر و نه نقش ایسی کانی خالک
رغبت ضما فالما دی بت خاند

بیتی
بیتخانی کسیدی اگر دقت
اولی در می مقابل اولی ماه جنبه

کوه کرم کوه اول ماه
اولی کرم کوه اول ماه

بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه

بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه

بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه

خوش آه نقاش که در وی و لایق
ایر مقدم باره نو که یکای
نقش و خط به خط از لایق
کت و در خانه کز نور سینه
کتاب روزی در وی و لایق
چونیت طلوع که نور غار روزه
بزرگه در کت و در خانه کز نور سینه
که بقای قدم لطف و نیکو ما به

رسیده به جاه و در وی و لایق
نور و در وی و لایق
اگر کار شود و در وی و لایق
چونیت طلوع که نور غار روزه
بزرگه در کت و در خانه کز نور سینه
که بقای قدم لطف و نیکو ما به

بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه

بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه

بیتی
بیتخانی کسیدی اگر دقت
اولی در می مقابل اولی ماه جنبه

کوه کرم کوه اول ماه
اولی کرم کوه اول ماه

بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه

بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه

بیک در می دور ای کوه
بیک در می دور ای کوه

نگش شد گشت امید ما و شد نقطه وفا و در فرات یافت ابر چشم ما یاران نماند
 ۴
 باز آمد باز و آمد کمال بیکانه حفظش حفظ کنند و در حفظه با شش روز و در
 عقرب را در روز حفظ کنند باز خوانند سیرت را کنند تا بخوانند تا حفظ کنند

قتل ایلدی اول محمدی شریعت ^{تاریخ قندی} قندی دیدی تاریخ قرآنی

بوقصر دلکش بوجای دلکش
عجب ویرش بوقصر تی تصور

بوقصر ذوق وایوان صفات
دیدم تاریختی کالج مرقوق

وله ايضا
قندة سنك اوله يودا حيا

تاریخ وفات خدای بکر حمد لله

شده خدای را بر ما کعبه رواه کشته حاج و راضی یافته و راضی

بعد از آنکه طایر و پاش با یی بر خیزد و در و کس میا و

بهر او گفته می‌داریم که
سختی این کار را بپذیرد

مادام

مادامکہ
 یاد ہے کہ ہم یعنی محمد بن حبیبی
 لایمیکر فروغ و صفائیہ و جعفری
 شوہر اولوں کے ساتھ لکھنؤ میں عیش و عشرت آباد

بها که می وادین طاعت استوار
یوسف است و از بهانه این بیت بخوانند
بطلاعت قرب که از بهانه یافت
بدین و دستور تاریخ و فاشی
ماده از تاریخ و فاشی طاعت استوار
ماده از تاریخ و فاشی طاعت استوار

و ملوک و ملوک
از دیو و پست این خانه هر دو در این است که از کوه و در پست
تا اینجا این حکایت که از تو با دیگر کند
سازش و خواهد از این پست
از این پست

والمعاني والاشياء
التي هي في الوجود
والتي هي في الوجود
والتي هي في الوجود

ومن اكبر النعمان
الحق الاموت بغير عذاب
اولئك هم الذين لا يحزنون

تاریخ ابن ساعی
 سال و ماه و روز
 سال و ماه و روز
 سال و ماه و روز
 سال و ماه و روز

صبا و جمعه دو سالن رسیه اول که از فروردین ماه رویت را زایید
سال مبهت شد و شصت و چهار روزی بود که گشت بن حد این سخن است

کشفه عمر یار یی رفت بی حس

در این باب اولی از کتب معتبره
 در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است

این کتاب
 در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است

کتاب در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است

کتاب در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است

در این باب اولی از کتب معتبره
 در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است

این کتاب
 در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است

کتاب در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است

کتاب در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است

این کتاب
 در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است

کتاب در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است

کتاب در فقه و اصول و کلام و منطق
 و غیره که در این کتاب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است
 و در هر باب از این کتب مذکور است

مولد شو که فناء با برکتی که بکس و در کج بعید و بول و کس بد

من لا یرد له
لا یرد له

مشارقة الارباب
بین النجلی والکشتار

الاولی والبلاء
توامان

التائب من الذنب
کمن لا اذنب له

۳۱

قال النبي صلى الله عليه وسلم
نعم المال الصالح في يد الرجل الصالح

سلامة الانفس
في حفظ الصلوات

عن النبي صلى الله عليه وسلم
من جمع بين الصلاة والجهاد

من جمع بين الصلاة والجهاد
من جمع بين الصلاة والجهاد

في بعد رحمة كرمه ورفقه عليه
ولا رقت له روحه وروح له
رفع الله الكتاب الرفيع
ومسح به المسحاة المطالعة
مره والعبث مضموناته
الطريقة الزهراء الشريفة
شجرة القبول والامتنان
استحق بمديته فله حصته
عفي عنه

منه الفقير المجاهد الخياط
استحق القاصي بمديته عجزه
عفي عنه

موسى

بجانبه روحه من عباده
بجانبه روحه من عباده

فان من سلكه بغير
فان من سلكه بغير

فان من سلكه بغير
فان من سلكه بغير

فان من سلكه بغير
فان من سلكه بغير

فان من سلكه بغير
فان من سلكه بغير

فان من سلكه بغير
فان من سلكه بغير

فان من سلكه بغير
فان من سلكه بغير

فان من سلكه بغير
فان من سلكه بغير

فان من سلكه بغير
فان من سلكه بغير

فان من سلكه بغير
فان من سلكه بغير

[illegible]

طعم
شده و در و به خورند و از هر کدام مانند چوبه
له آرد به که دوستی را بجا یوم
بوستن الجاه و انقست السما
عورت باید که اول خانه بنشیند و مرد را بداند
بار یکدیگر بگویند

و چه چینه خطر آنکه دارد
کوتاه که نموده و عمرش را و نموده
طعام را و نموده و
پیش از او نموده و نموده و نموده و نموده
نماده ایضا که نموده و نموده و نموده

لما دعى الله واخيها لوطا عت **بابكم** الرسل **كنتم** الامم **من** قسده البر **و**
اذا به اخيه اذما صلي عليه **سلم** **ومن** احب اليه **والامم** في لوطا عت
متعلق به اخيه **والله** يقول **بابكم** الرسل **متعلق** به **رسله** يعني **الله** تعالى **رسله** يعني **رسوله**
بابكم الرسل **يكون** نحن ايضا **كرم** الامم **اذا** شرف **والله** من حيث **بهم** **اكرم** **واخوه** **رسله** **ايضا**
شرح ابو صبر

و در میان مشایخ و بزرگان چون بنفک لاری و دیگران ۴ تیمه واجب الیه بود و در وقت طواف
حقالتی مشایخ لاری بگویند: غداً عندک مولاک **لا اله الا الله** و تو بودی لسانک فی الطوافه
لقد راوون غداً کفر فوجب علیهم **لا اله الا الله** و بعد از آنکه از آنجا بازگردند و در آنجا
نماز بخوانند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم **سبح الله**

ذكر كنز ابا ماسد الوضوء الله
 في العائش للوا وضوء الله في العائش
 في العائش للوا وضوء الله في العائش
 في العائش للوا وضوء الله في العائش
 في العائش للوا وضوء الله في العائش

(Faint handwritten text in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side of the page.)

۳۵
مصدق شد بر دست حضرت شاهنشاهی
بالمدرسه امام صادق علیه السلام در کتب

تو از بهر داشتن و داشتن اگر کوفه

ثم الخلق على قدر ما استحق
الى طريق الارسل وبقية
الجزء الثاني

والقلم باليد الطامع
والقلم باليد الطامع

وَمَا يَنْبَغِي سِوَا
الْحَمْدِ لِلَّهِ هَذَا إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَالصَّلَاةُ عَلَى مَنْ اخْتَصَّ بِالْحَقِّ الْعَظِيمِ
وَعَلَى آلِهِ الَّذِينَ قَامُوا بِصِرَاطِ الدِّينِ الْقَوِيمِ


۴
و باقی
اموت و بیغی که با قدر کثرت
لعل از این بعضی عین بقصر
و بعضی تقصیرات و سوء فاعلی

الحمد لله الذي
 دروينا ونبينا وحصلنا
 في دار السلام
 الحمد لله الذي
 دروينا ونبينا وحصلنا
 في دار السلام

هو العبد المذنب
الذي هو في الدنيا
والعبد المذنب
الذي هو في الدنيا

الزكية بعد

دعا حضرت امام اعظم
 سبحان الله المبدى المابد سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله الفرد الصمد
 سبحان من رفع السما بغية سد سبحان من يطح الارض على ماء عسر
 سبحان من خلق الحق واحصى معد سبحان من قسم الرزق ولم ينس احد
 سبحان من لم يخذ صاحبه ولا ولده سبحان من لم يلد ولم يولد ولم يكن له
 كفوا احد

[illegible][illegible][illegible]

وروم خفا با بر بقمع صناديقی بقمع لبر اجمیع

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

۱. کتابت النوازل و المستطاب
 ۲. کتابت النوازل و المستطاب
 ۳. کتابت النوازل و المستطاب
 ۴. کتابت النوازل و المستطاب
 ۵. کتابت النوازل و المستطاب
 ۶. کتابت النوازل و المستطاب
 ۷. کتابت النوازل و المستطاب
 ۸. کتابت النوازل و المستطاب
 ۹. کتابت النوازل و المستطاب
 ۱۰. کتابت النوازل و المستطاب

و در خوش نشانی و فرماندهی رنجت در کج و نامرادی
 بود در مرتع و برین و قطع شد بدین در اندر او غایت جمله در
 راجی ۹
 در ضعیفان بنوازش بود و در تو باید که نوازش بود
 شایسته در او نشیند و آنکه تو را بدیدم خیار و سپاس

[illegible]

۳
 مرگ و زنده شدن
 شکل مخلوق تو بی از آن
 خلق و زنده شدن
 ۴
 خواب و بیدار شدن
 این و آن را زنده شدن
 ۵
 مرگ و زنده شدن
 این و آن را زنده شدن

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲

三

افواه صفا جو که فو تو خوار شد
بمقور و ما زنا بیجان شد
بدر این یوسف کار این یار غنیر
از دست زنیاء هوا بار شد
ما دست که کار باغ آوار کند
بیار ز غنیر خوار بیار کند
از دست زنیاء هوا صد فریاد
کوبد مهر یوسف کار بار کند

و در اخف طبع
می خورده بنیای صوفی ز راست
حقا که بر این صفا زرق فطاست
کربا و خوری با دق و فو که در دست
عقوب که بعد قاه کار خداست

و در تار خدیش
از عکس رفت لاله که کلک و دست
و شوق لبست و قد و قد و دست
اکس که زنده و در بود و دست
و راز و نه و صد که شغف است

و در تار خدیش
کوبد خفا غنیر که گوشتی
بنوشتی و غنیر زار و موشتی
از روی کس بنیای عقلت بود
ز راه بنیای کس بنیای

و در تار خدیش
چاه و در و بار و در و در
ز غنیر و در و در و در
و در و در و در و در
و در و در و در و در

در این یوسف کار این یار غنیر
از دست زنیاء هوا بار شد
ما دست که کار باغ آوار کند
بیار ز غنیر خوار بیار کند

خود که خیرین از این که غنیر خوار شد
بمقور و ما زنا بیجان شد
بدر این یوسف کار این یار غنیر
از دست زنیاء هوا بار شد
ما دست که کار باغ آوار کند
بیار ز غنیر خوار بیار کند
از دست زنیاء هوا صد فریاد
کوبد مهر یوسف کار بار کند

و در اخف طبع
می خورده بنیای صوفی ز راست
حقا که بر این صفا زرق فطاست
کربا و خوری با دق و فو که در دست
عقوب که بعد قاه کار خداست

و در تار خدیش
از عکس رفت لاله که کلک و دست
و شوق لبست و قد و قد و دست
اکس که زنده و در بود و دست
و راز و نه و صد که شغف است

و در تار خدیش
کوبد خفا غنیر که گوشتی
بنوشتی و غنیر زار و موشتی
از روی کس بنیای عقلت بود
ز راه بنیای کس بنیای

و در تار خدیش
چاه و در و بار و در و در
ز غنیر و در و در و در
و در و در و در و در
و در و در و در و در

سعد که قتل و در و در و در
قوله که و در و در و در

از حسن و کرمی
مهرت به من باده ای که در
زیر سیمین بکشد که در
خفت نان سیرین و خوشی
چاک لاله لاله ای که در
صورت لاله ای که در
سینه اعظم صفت کند و در
نور و قوت نه که در
طوبی زهد و ای که در

باید بار، و خوش و بهار باغی
صوبه سرور و قلیش و شصت
طوبی سوسنک و طبعی و لطف
فرار و زو و کرم و کرم و کرم

باید بار، و خوش و بهار باغی
صوبه سرور و قلیش و شصت
طوبی سوسنک و طبعی و لطف
فرار و زو و کرم و کرم و کرم

باید بار، و خوش و بهار باغی
صوبه سرور و قلیش و شصت
طوبی سوسنک و طبعی و لطف
فرار و زو و کرم و کرم و کرم

باید بار، و خوش و بهار باغی
صوبه سرور و قلیش و شصت
طوبی سوسنک و طبعی و لطف
فرار و زو و کرم و کرم و کرم

باید بار، و خوش و بهار باغی
صوبه سرور و قلیش و شصت
طوبی سوسنک و طبعی و لطف
فرار و زو و کرم و کرم و کرم

در باب اول در بیان حقایق اهل بیت علیهم السلام
 و در بیان صفات و احوال و کرامات و غیره
 و در بیان فضیلت و جلال و کبریا
 و در بیان حقایق و اسرار و معانی
 و در بیان احوال و کرامات و غیره
 و در بیان فضیلت و جلال و کبریا
 و در بیان حقایق و اسرار و معانی

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 و الصلوة علی سیدنا محمد
 و آله الطیبین الطاهرین
 و السلام
 و بعد

الحمد لله رب العالمین
 و الصلوة علی سیدنا محمد
 و آله الطیبین الطاهرین
 و السلام
 و بعد

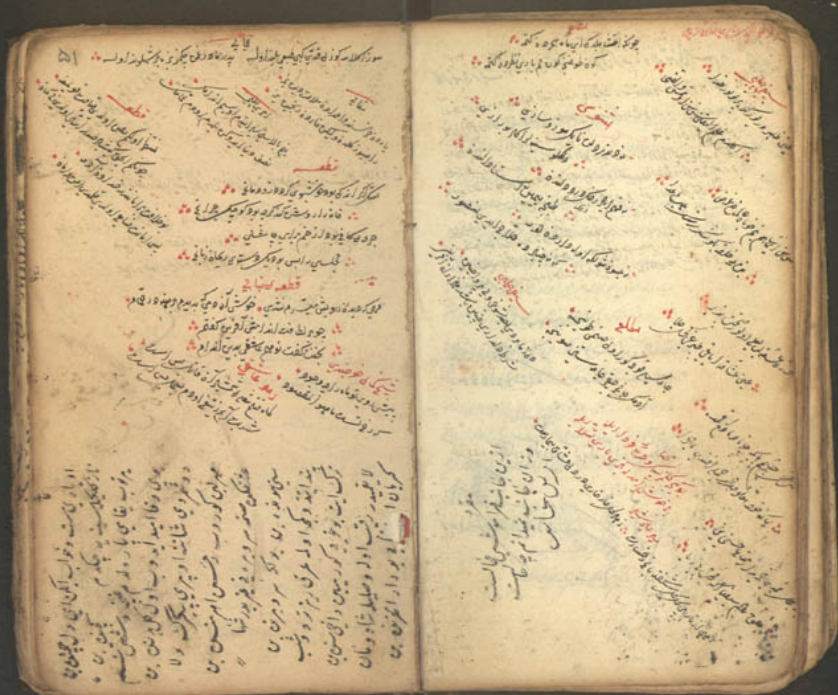
اوله مدار حرام و حلال و در بیان حقایق و اسرار و معانی
 و در بیان احوال و کرامات و غیره
 و در بیان فضیلت و جلال و کبریا
 و در بیان حقایق و اسرار و معانی
 و در بیان احوال و کرامات و غیره
 و در بیان فضیلت و جلال و کبریا
 و در بیان حقایق و اسرار و معانی

و بعد

الحمد لله رب العالمین
 و الصلوة علی سیدنا محمد
 و آله الطیبین الطاهرین
 و السلام
 و بعد

الحمد لله رب العالمین
 و الصلوة علی سیدنا محمد
 و آله الطیبین الطاهرین
 و السلام
 و بعد

[illegible]



مقام غرق در ریاضت
مسکون و کسب دارا نیک

توکل بنیاد حکم خدا و رحمت
است نه اولیای و اولاد

بعض عارفینہ
العارف

4
 لای صومعه بنی کلبه از طایفه بنو حنیظه
 در ایام قیامه و قیامه در ایام قیامه

فولاد و نقره و مس
و طلا و لاجورد

سرد و سردی در دماغ
و در کبد و معده و در ریه
و در کلیه اعضا و اندامها
و در تمام بدن و در همه جا
و در هر وقت و در هر حال
و در هر مکان و در هر زمان
و در هر چیز و در هر کس
و در هر کار و در هر امر
و در هر علم و در هر فن
و در هر هنر و در هر صنعت
و در هر حرفه و در هر شغل
و در هر مقام و در هر مرتبه
و در هر منزلت و در هر درجه
و در هر صفت و در هر خصلت
و در هر کیفیت و در هر مقدار
و در هر کمیت و در هر اتمین

علاج
فایده از این کتاب فیلیم و دو سال و دو روز
در هر یک از اینها و در هر یکی از آنها

[illegible]

و بعد از آنکه در این شهر رسید و به واسطه فقر و نیازمندی که داشت و بابت
آنچه که از او گرفته شده بود و بابت آنچه که از او گرفته شده بود و بابت آنچه که از او گرفته شده بود

۴
مخلص من كل مرض

یا مردم ترا خداوند کس
الطف تو شفقت است

[illegible]

كتب على راسه راحة وراحة راحة
على راسه راحة وراحة راحة
على راسه راحة وراحة راحة

كتب على راسه راحة وراحة راحة
على راسه راحة وراحة راحة
على راسه راحة وراحة راحة

انفوس امة والمواعظ والعارفين والبررة على الله والبررة
كلها تنزل من مرتبة اشياء من كثرة النعم في وقت النوم
في الليل وشرب الماء في جوف الليل والذكر في الشبه
وكثرة النوم في النهار وجس البوة في الليل والتهار

اسم محمد صلى الله عليه وسلم في النجلى طاب له
وفي النورية مبدأه وفي الزبور ما قلنا وفي الصوف
مقيما وفي السما والارض وفي الارض محمد وفي الجنة قائم
وفي النار ابي خضع المذنبين وفي عشتا القيمة محمد بن
عبد الله بن عبد المطلب

محمود في الدين عرسا خصوصه محرم كمال باختر نيك يور دقير
الحرقة بين الحقيقة نور على وفق الشريعة الشريفة
حرر الفقير احمد بن سليمان بن كمال على نعم الملك المعان

الحمد لمن جعل عباده المخلصين وورثة الانبياء والمرسلين والصلوة على محمد المبعوث لاصلاح
المخلصين وآله واتحبه المحمدين باخراة الشرح المبين المبين وبجده ايها الحسن علما ان الشيخ
الاعظم المقدسي الكرمي قطب العارفين وامام الموقنين محي الدين بن علي العربي الطائي
الحائمي الاندلسي بختياره كمال ومحمد فاضل له مناقب جلية وخوارق عادية وتلامن كثيرة مقبولة
عند العلماء والفضلاء ومن اكثر فقد اخطا وان اقر في انكاره فقد ضل على السلطان تاديه
ومن هذا الاعتقاد تحوية اذ السلطان مأمور بالمعروف والنهي عن المنكر وله صفات كثيرة
منها خصوص ملكية وفتوحات ملكية بعضها معلوم لالفاظ والمعنى وموافق لظاهر الآيات
والشرح النبوي وبعضها خفي عن ادراك اهل الظاهر دون اهل الكشف والباطن فمن لم يطلع

كتب على راسه راحة وراحة راحة
على راسه راحة وراحة راحة
على راسه راحة وراحة راحة

انفوس امة والمواعظ والعارفين والبررة على الله والبررة
كلها تنزل من مرتبة اشياء من كثرة النعم في وقت النوم
في الليل وشرب الماء في جوف الليل والذكر في الشبه
وكثرة النوم في النهار وجس البوة في الليل والتهار

اسم محمد صلى الله عليه وسلم في النجلى طاب له
وفي النورية مبدأه وفي الزبور ما قلنا وفي الصوف
مقيما وفي السما والارض وفي الارض محمد وفي الجنة قائم
وفي النار ابي خضع المذنبين وفي عشتا القيمة محمد بن
عبد الله بن عبد المطلب

محمود في الدين عرسا خصوصه محرم كمال باختر نيك يور دقير
الحرقة بين الحقيقة نور على وفق الشريعة الشريفة
حرر الفقير احمد بن سليمان بن كمال على نعم الملك المعان

الحمد لمن جعل عباده المخلصين وورثة الانبياء والمرسلين والصلوة على محمد المبعوث لاصلاح
المخلصين وآله واتحبه المحمدين باخراة الشرح المبين المبين وبجده ايها الحسن علما ان الشيخ
الاعظم المقدسي الكرمي قطب العارفين وامام الموقنين محي الدين بن علي العربي الطائي
الحائمي الاندلسي بختياره كمال ومحمد فاضل له مناقب جلية وخوارق عادية وتلامن كثيرة مقبولة
عند العلماء والفضلاء ومن اكثر فقد اخطا وان اقر في انكاره فقد ضل على السلطان تاديه
ومن هذا الاعتقاد تحوية اذ السلطان مأمور بالمعروف والنهي عن المنكر وله صفات كثيرة
منها خصوص ملكية وفتوحات ملكية بعضها معلوم لالفاظ والمعنى وموافق لظاهر الآيات
والشرح النبوي وبعضها خفي عن ادراك اهل الظاهر دون اهل الكشف والباطن فمن لم يطلع

اي جالي او كده كي جوي سكي
كشي لاق وانشامدين الله

في كيب لي جالي الميوسين
مرق قد سمان او كده كنه

فاسم به اخذ بجان ما واي
فاسم به اخذ بجان ما واي

السك كالنق
والكبر كالقبر
لفظا ومعنى

لرب يوقر ايام جلده ماسو يفتن
ماهور المقصود والاولاد يور دقير

فاسم به اخذ بجان ما واي
فاسم به اخذ بجان ما واي

فاسم به اخذ بجان ما واي
فاسم به اخذ بجان ما واي

فاسم به اخذ بجان ما واي
فاسم به اخذ بجان ما واي

فاسم به اخذ بجان ما واي
فاسم به اخذ بجان ما واي

فاسم به اخذ بجان ما واي
فاسم به اخذ بجان ما واي

جست که علم رفته صافی لایه کرم
کعبه یاد اوله سر کویک و لار عام

و در کتب فایزانه
بار سکنی کینه بر آتش ککله و لاریست
جنت اجداد رفا که سر کوه خاگر شکست
نثار غم آید و جنت خانه و دیله و لاریست
رنه به لاله عابد یار به لایله جنت
بام به جنت تنها کاسه به آماه به
بزم بکوره کرم و غم به بار و عالم به جنت
کسی به آید خانه و جنت مستغنی
ناله و جنت به یار کسند و شکست
طاعت کس به جنت به یار به
نیز و به یار بقیض جنت و لاریست
بچی به کام و لاریست و لاریست
جنت به یار و جنت و لاریست
فصل به یار و لاریست و لاریست
لاریست و لاریست و لاریست و لاریست

دیدار تو حل کلمات
صبر از تو خلافت شکست
و به صورت به بیت
عنوان کمال است
و به صورت به بیت
عنوان کمال است
و به صورت به بیت
عنوان کمال است

و به صورت به بیت
عنوان کمال است
و به صورت به بیت
عنوان کمال است

و در کتب فایزانه
کعبه یاد اوله سر کویک و لار عام

از آن چرخ
کوزم عین و است و تر مر جاده
و به صورت به بیت
عنوان کمال است

و به صورت به بیت
عنوان کمال است
و به صورت به بیت
عنوان کمال است
و به صورت به بیت
عنوان کمال است
و به صورت به بیت
عنوان کمال است

لایحی کا رس از عالم نامہ لطف صاحب
موفق گرفت از حسن مست

ایمانی و منیر علیت افصح
روای طهر از استیضاح
نهی از کتب و کتاب
نویسی شریف و جامع و مطهر

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

آخرین طبع فی دهره ملاذاده افین
حضرات انوار کفر غوغه الی

باجه لعل قوید صورت علفیه
قوغه لعل صالیه کزاده یاب نسکام

یاب نه غوغه کز لوش که و مایه ملاذاده
ان لعل شیه مایه زوده و قوغه نایه

44

44
مکمل است و در هر یک از این کتابها
و ضمیمه در باب از فیض بی غایت
کتاب بیست و یکم از فیض بی غایت
کتاب بیست و یکم از فیض بی غایت
کتاب بیست و یکم از فیض بی غایت

کتاب فقهی که در این کتاب
در این کتاب در این کتاب

دیدار بجای این مژده اشکبار را
 آید آن نهم و نماز رانستان در کنار
 رایت خیال الظل کبر عبده لمن هو فی علم الحقیقه راق
 شخص و شباح تم و متقص
 و معنی سیر یغادر المکرک باق

کارم ز فو سست ز فو سست کارم

سبحان من تغدو بالعمومته والصكوة السلام
وعلى الرزق النعم النزيه واصحاب العلية والى قدس آبائنا والاشكال
الشريفة وتحريم الواقع الرحمة في من اعلم العلم المقام افضل الفضل
الحق يشوع الفضائل مسوع الا فضل مولانا ومن كل الوجوه اولانا افضل
افندي امير فلك الموالى بحكمه احسن حيلة

[illegible]

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some faint smudges and discoloration, characteristic of old paper. A dark, possibly black, binding edge is visible along the bottom of the page.

طغوا في منشور ما خرجت في فناء...
زمانا نشأ به الملك زهير افشانه...
و ميامه في رساير حيت وسلم...
وخلص شوق بياض...
مكارم موده...
الوصاية...
موجي تقصيص...
في ميم ناه قدزانه...
که فی سن الطاف عجم...
ارولقه خایه...
بوارضه نام...
نقیر و بیانه...
بوطر الجازفه...
که بعد نام...
رجای صاوق...
و بقدر اولاد...
موسوم...
فلا و ملاه...
کتب رساله...

بصفتهم...
و درای باد...
سیلاب...
فرلوت...
ايسر...
افارقه...
که هده...

و دروغ و غیور...
ملازمه...
میترا...
برویم...
غایر...
لما فارقت...
و در و در...
ار رجای...
هده...
در تخریج...

ارسله مصطفی بن و کاهه رئیس...

نفاذ...
و نود...
مترجم...
فیضا...
و ملاط...
ار قام...
اولو...
سابق...
نات...
افزون...
که بسوی...
عقلش...
قدم...
در و در...
انظر...

در سر این روم ایام قاضی عسکری بن علی الدین علی بن محمد بن

[illegible]

بی بی سلطان
 باینه سکه نامه سلطان
 بویست زنده خاتم سلطان
 بنده با جمال ادب و کمال سلطان
 مکرر بی سلامه سلطان
 قان زلف و خطه پاشه سلطان
 سیده بی معرفت سلطان
 بیجا
 اندک سجده دار اگر کلسک
 ارجح کم فایه سلطان
 بتره اندیشه بی بی ناگرم
 ابد و ابد مدام سلطان
 قنبر سلطان
 طوقی قنبر قنبر سلطان
 بنده با جمال ادب و کمال سلطان
 مکرر بی سلامه سلطان
 قان زلف و خطه پاشه سلطان
 سیده بی معرفت سلطان
 بیجا
 اندک سجده دار اگر کلسک
 ارجح کم فایه سلطان
 بتره اندیشه بی بی ناگرم
 ابد و ابد مدام سلطان

در وقت بیکار نشین و در آن وقت

بدره خدای که در باغ ضیاء و دروم
که شوق بین خدمت زبا و خدمت لاله
شرح فراق یا بهیمت پذیر نیست
دل از وصل یا در گمائی گزین نیست

مکتوب جانانه از رخ کج و دروغ
بسیار بود و بسیار گریه ها و گشتی
از این که در این وقت نشین
و زخمی بر خفته و در حال غم

۴
فایده نهد به تمام غم
صدا که در این حال غمناک شود

کار و جو و خوار و خرم
که در و که نه و در خامه کفیه شود
۴
در این حال و در این وقت

۴
در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت

۴
در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت

این بود که در این وقت
که در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت

۴
در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت

۴
در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت

۴
در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت
۴
در این حال و در این وقت

فصل فی بیان احوال

کوت زانیه روح زکریا بر خیزد **۱** بال این نظر لطیف راستوی منظور
 و کز خزانیه دل امیر می کشد **۲** شوی خزان کس را در غایت دل کز
 بصورتی که بود و خوار غفلتی از حق **۳** عجب که بنویسایت اگر کند هم صو
 بیست روی زمین در لغت از کجایی **۴** پس از تفاوت آن ساز عقد از کج
 که چشم بخت و خیر و غریب حاصلست **۵** چه بر سر غرور و زاندا از کج
 بخت از ملک باقی آن فلک بود **۶** چه که بر سر کین و کربس کج
 سعادت ازین و شقاوت ابدی **۷** و ازین ابد بود از کج
 بقدرت غضب از پالاسی کشی **۸** بهی و به تعییر می شود و بقدر
 نوح و نوحی که ازین کج **۹** ز کج غیبت که می آورد و بصیرت
 که بیکت بخار جنوب و جنوب سما **۱۰** غنا و غم شای و ز غم سر و سر
 که یافت این غصه کج بقامت **۱۱** که در وقت این عی خرقه بر قدر
 که ازین کج و در در مشیم **۱۲** زار یک و جود می جو و لوی
 بچن مای سپید و سپید لیل و لیل **۱۳** که نظم و در عقوبتین و سکر
 که در در این قرار و نظام ملوک **۱۴** بچن سپاه و سپاه منظور

که که کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد

کوت زانیه روح زکریا بر خیزد
 و کز خزانیه دل امیر می کشد
 بصورتی که بود و خوار غفلتی از حق
 بیست روی زمین در لغت از کجایی
 که چشم بخت و خیر و غریب حاصلست
 بخت از ملک باقی آن فلک بود
 چه که بر سر کین و کربس کج
 سعادت ازین و شقاوت ابدی
 بقدرت غضب از پالاسی کشی
 نوح و نوحی که ازین کج
 که بیکت بخار جنوب و جنوب سما
 که یافت این غصه کج بقامت
 که ازین کج و در در مشیم
 بچن مای سپید و سپید لیل و لیل
 که در در این قرار و نظام ملوک
 بچن سپاه و سپاه منظور

فصل فی بیان احوال
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد

فصل فی بیان احوال
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد

فصل فی بیان احوال
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد

فصل فی بیان احوال
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد
 کج می کشد و کج می کشد و کج می کشد

در این باره
 نه در این باره
 نه در این باره
 نه در این باره

چو غمی داشت فلان بای بهر روزگار
 هوائش آمد و رویش کرد کربان
 تبار وی چو خورشید سوختی عالم
 اگر چای بودی ز غم زوارش
 چو تو بودی بهر کربان تبارش
 و صفیها و صفیها و صفیها
 مگر نشسته که گریه ز راه او میزد
 بر و جگر و کشت و رویت و رشوت
 فلک نشسته که نهد سینه ز اندازد
 زو جگر و کشت و رویت و رشوت
 زاری زاری زاری زاری زاری
 بهر کربان و بهر کربان و بهر کربان
 و لعل و روشن و شمع و شمع و شمع
 نهاده که کشته و کشته و کشته
 که سوزاری که کشته و کشته و کشته
 بجای که کشته و کشته و کشته
 که کشته و کشته و کشته و کشته
 با سینه و کشته و کشته و کشته
 زنجیر و کشته و کشته و کشته
 عروسی که کشته و کشته و کشته
 سینه آتش و کشته و کشته و کشته
 چنانچه بهر تو و کشته و کشته و کشته

بیت

نویس در این باره
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان

بیت
 او کشت زاری کن و آرد
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
جواب
 او کشت زاری کن و آرد
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
بیت
 او کشت زاری کن و آرد
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
جواب
 او کشت زاری کن و آرد
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
بیت
 او کشت زاری کن و آرد
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
جواب
 او کشت زاری کن و آرد
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان
 که زلفی تو بهر کربان

قطعه

در مانع بود بهار سبب شبنم بود که در آن ابرو خفته و بر روی او در و لایم کرده

بکار حبیب قیاس از خوانی بدرید
نویسند سببها در کوه کرده

قطعه
مردی به حقیقت عظیم خلقت است
زین شئون از او فوشتن بن ساز

چهارده اعلی
نویسند در او اخطت هم اصیب
فایده نیست فایده ای عالی
و کثرت از این عالی اندوخته

برای حقیقت کیم کاه بر سر او
اسیرانه نوداد فوشتن بن ساز

عقارب شبنم بود که در آن ابرو خفته و بر روی او در و لایم کرده
مهاه و بهار در و لایم صورت و یو جان

چهارده اعلی
نویسند در او اخطت هم اصیب
فایده نیست فایده ای عالی
و کثرت از این عالی اندوخته

در وقت راه که در خانه کس و بیایه جاده بند
کفر و لایم از غایت اعلی
جاده کوه در بیایه بند

آه نیست که این نام یس که در آید
نقص و جوایست که در آید
باز بگویند نام یس که در آید

از عادت سادات که سادات عادت از ارباب سادات
باجایان بوللست و ارباب اضافات
بوزیر شکر و علاه فخر و نام

عوض داشت این فقار کس که در آید
نقص و جوایست که در آید
باز بگویند نام یس که در آید

از عادت سادات که سادات عادت از ارباب سادات
باجایان بوللست و ارباب اضافات
بوزیر شکر و علاه فخر و نام

عوض داشت این فقار کس که در آید
نقص و جوایست که در آید
باز بگویند نام یس که در آید

از عادت سادات که سادات عادت از ارباب سادات
باجایان بوللست و ارباب اضافات
بوزیر شکر و علاه فخر و نام

عوض داشت این فقار کس که در آید
نقص و جوایست که در آید
باز بگویند نام یس که در آید

از عادت سادات که سادات عادت از ارباب سادات
باجایان بوللست و ارباب اضافات
بوزیر شکر و علاه فخر و نام

عوض داشت این فقار کس که در آید
نقص و جوایست که در آید
باز بگویند نام یس که در آید

از عادت سادات که سادات عادت از ارباب سادات
باجایان بوللست و ارباب اضافات
بوزیر شکر و علاه فخر و نام

عوض داشت این فقار کس که در آید
نقص و جوایست که در آید
باز بگویند نام یس که در آید

از عادت سادات که سادات عادت از ارباب سادات
باجایان بوللست و ارباب اضافات
بوزیر شکر و علاه فخر و نام

[illegible]